

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

در داکتر عباس آزادیان



درآمدی بر شکنجه

بخش ششم

تاثیرات روانی شکنجه بر زندانیان سیاسی

بعد از بررسی عواقب روانی شکنجه در میان بازماندگان اردوگاه‌های مرگ نازی و اسرای ارتش جنگ جهانی دوم اکنون توجه خود را معطوف بررسی عوارض شکنجه در میان زندانیان سیاسی می‌کنیم. در این زمینه مطالعات زیادی صورت گرفته است. هدف ما در این مختصر تنها اشاره به تعدادی از این مطالعات است که امکان نتیجه‌گیری کلی فراهم می‌آورند.

اکثر مطالعات در میان شکنجه‌شدگان سیاسی از محدودیت‌های متعددی رنج می‌برند که به این محدودیت‌ها در بخش چهارم اشاره شده است. به طور خلاصه تنها تعداد کمی از شکنجه‌شدگان وارد مطالعات تحقیقاتی می‌شوند. وقتی اینان وارد مطالعه می‌شوند که سالها از زمان شکنجه گذشته است و این مطالعات به ندرت در کشور مبداء صورت می‌گیرد. سایر اشکالات به مدت استفاده شده مربوط می‌شوند. مثلا گروه کنترل برای مقایسه وجود ندارد و یا افراد با سابقه فرهنگی مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند. تاثیر سختی‌های مهاجرت معمولا در نظر گرفته نمی‌شود. در مطالعات اخیر کاشگران سعی کرده‌اند بعضی از مشکلات فوق را رفع کنند.

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل سالهای هشتاد مطالعات فراوانی درباره شکنجه منتشر شد که محققان نروژی و دانمارکی در این امر نقشی پیشرو داشتند. در سال ۱۹۷۹ بولتن پزشکی دانمارک گزارش‌های سمینار پزشکی سازمان عفو

بین‌المللی را منتشر کرد. حاصل این مطالعات نشان می‌دهد که زندانیان سیاسی شکنجه شده از عواقب مشابه اسرای جنگی و بازماندگان اردوگاه‌های نازی رنج می‌برند.

کاوشگرانی که در آمریکا و کانادا به بررسی عواقب شکنجه در آمریکای لاتین و به خصوص شیلی پرداختند نتایج زیر را گزارش کردند. در این زندانها روش‌های گوناگون شکنجه به کار گرفته میشد. این روش‌ها شامل کتک زدن، شوک الکتریکی، آویزان کردن، سوزاندن، تجاوز جنسی، خفه کردن و غیره می‌شد و می‌شود. تقریباً تمامی زندانیان روش‌های مختلف شکنجه را تحمل کردند. علاوه بر روشهای فیزیکی فوق، روشهای شکنجه روانی هم به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته بود. این روشها شامل زندان انفرادی، محرومیت از غذا، آب، هوا، دیدن خورشید، هواخوری و غیره می‌شد. تعداد دیگری از زندانیان در معرض صداهای بلند مداوم، نور زیاد و غیره قرار گرفتند. تهدید علیه فرد و علیه خانواده او، تهدید به تجاوز جنسی و تهدید به مرگ نقش اساسی در شکنجه اینان داشت. تعدادی از اینان اعدام‌های قلابی را تجربه کردند و تعدادی شاهد شکنجه و یا حتی اعدام دیگران بودند، انواع و اقسام توهین نقش مهمی در شکنجه این زندانیان بازی کرده، از توهین لفظی تا سایر انواع توهین مثل برهنه نگه داشتن، کثافت در غذا انداختن، در جاهای شلوغ نگه داشتن و غیره. تعداد کمی از این زندانیان را با روش‌های مختلف پزشکی تحت شکنجه قرار دادند مثل هیپنوتیزم و یا تزریق مواد و داروهای مختلف در رگ.

عواقب فیزیکی و روانی این جنایات چندجانبه بود. عواقب فیزیکی شامل سوختگی پوست، ناراحتی‌های شنوایی و کری، ناراحتی در رابطه با عادت ماهانه و خونریزی شدید در میان زنان، و ناراحتی‌های جسمی مثل کمردرد می‌شد. این ناراحتی‌ها به تدریج در طول زمان کاهش پیدا می‌کردند.

خلاف ناراحتی‌های فیزیکی، ناراحتی‌های روانی ادامه یافته و عواقب شدید روحی و ناتوانیهای انطباقی با محیط را به جود می‌آورند. این ناراحتی‌ها شامل ناراحتی‌های اضطرابی (ترس، زود رنج بودن و خشم زود هنگام)، ناراحتی‌های عاطفی و احساسی (بی‌علاقگی، لذت نبردن از زندگی)، ناراحتی‌های ذهنی (مشکل حافظه، مشکل تمرکز) و ناراحتی‌های جسمی با ریشه‌های روانی می‌شود. این شکنجه‌شدگان همچنین دچار مشکلاتی در رابطه با ایجاد رابطه با دیگران بودند که شامل عدم اعتماد به دیگران و انزواگرایی می‌شد. البته تمامی افراد شکنجه شده تمامی این علائم را بروز ندادند.

مطالعاتی چند در میان شکنجه‌شدگان در کشور مبداء صورت گرفته است. این مطالعات معمولاً بسیار دشوار میباشد و خطرات چندی را برای مطالعه‌کنندگان و شرکت‌کنندگان در کار تحقیقاتی دربردارد. به اجراء در آوردن چنین مطالعاتی بیشتر در کشورهایی مثل شیلی، یونان و ترکیه صورت گرفته‌اند.

نتایج این مطالعات به طور کلی تفاوت اساسی با مطالعات در کشورهای اروپایی و یا آمریکای شمالی ندارد. این امر بیانگر این نکته است که تأثیرات روانی شکنجه امری مستقل از تجربه مهاجرت و سختی‌های ناشی از آن است. این نکته مسلم است که خاطره شکنجه و عواقب آن در ذهن آگاه و یا ناآگاه فرد باقی می‌ماند. نمونه زیر نشان می‌دهد که خاطره‌های به ظاهر تحت کنترل چگونه ممکن است در نتیجه یک تحریک جزئی خود را بیان کنند:

يك پروفیسور ۳۷ ساله دانشگاه در سان سالوادور به خاطر عقاید سیاسی‌اش دستگیر می‌شود و ۱۸ ماه در زندان ننگه داشته می‌شود. در اوایل دستگیری مورد شکنجه سیستماتیک واقع می‌شود که علاوه بر زدن به اشکال مختلف شامل وارد کردن شوک الکتریکی به قسمت‌های مختلف بدنش و آویزان کردن از سقف می‌شد. بعد از تحمل تمامی این شکنجه‌ها و تحمل زندان از کشور خارج می‌شود و بالاخره خود را به کانادا می‌رساند. روزی در کلاس درس انگلیسی هنگامی که با گفته معلم مخالفت می‌کند به او گفته می‌شود: "به نظر می‌آید تو از آن دسته آدمهایی هستی که دوست دارند با هر چیزی مخالفت کنند." این پروفیسور که سابقه هیچ گونه ناراحتی جسمی و روحی نداشت پس از شنیدن این حرف چندین روز به کلاس درس نمی‌رود و دچار افسردگی شدید، عصبانیت و سردرد شدید می‌شود. روزها در بستر به سر می‌برد تا مورد توجه خانواده و دیگران قرار می‌گیرد و به بیمارستان آورده می‌شود.

این حادثه نشان می‌دهد که چگونه يك امر ظاهراً بی‌ربط می‌تواند خاطره زندان و شکنجه را در انسان‌های شکنجه شده زنده کند. این امر مسلماً محدود به زندانیان سیاسی نمی‌شود به نمونه زیر توجه کنید:

يك خانم یهودی- لهستانی به علت ناراحتی‌های عصبی به مدت دو ماه در بیمارستان روانی بستری می‌شود. این امر در مورد کسی که هیچ سابقه بیماری روانی نداشت در يك سن نسبتاً بالا عجیب به نظر می‌رسید. در حین این بستری شدن مشخص می‌شود که در زمان جنگ در اروپای شرقی زندگی کرده است و به وسیله پلیس دستگیر شده و به یکی از کمپ‌های نازی فرستاده شده بود. همچنین مشخص می‌شود که قبل از آمدن به بیمارستان و بستری شدن، با همسایه خود جر و بحث کرده است. همسایه او را تهدید می‌کند که به پلیس اطلاع خواهد داد. این خانم به خانه می‌رود چند روز با ترس و لرز شدید در انتظار پلیس می‌ماند تا او را دستگیر کنند. ترس او آنچنان شدید می‌شود که به بستری شدن او می‌انجامد.

پزشکان اسپانیایی و دانمارکی به مقایسه تاثیرات مهاجرت و شکنجه پرداختند و دو گروه از مهاجران را مورد مطالعه قرار دادند: مهاجرانی که شکنجه شده بودند و آنانی که مورد شکنجه قرار نگرفته بودند. این مطالعات نشان می‌دهد که به طور کلی مهاجرانی که شکنجه شده بودند از عوارض روانی بیشتر و شدیدتری رنج می‌برند. مطالعات مشابهی در میان مهاجران ترك و لبنانی هم نتایج مشابهی را نشان می‌دهد.

نکته دیگری که احتیاج به کاوش دارد این امر است که شاید تاثیرات روانی مشاهده شده بیشتر مربوط به زندانی شدن باشد تا به شکنجه شدن. برای پاسخ به این سؤال يك پزشك ترك که به عنوان پزشك عمومی يك زندان غیرسیاسی کار می‌کرد به کار تحقیقی در زندان دست می‌زند.

او موافقت زندان را برای بررسی "نتایج روانی زندان" جلب می‌کند ولی در عمل، به دور از چشم مسؤولان، چندین پرسشنامه درباره شکنجه در میان سؤالها می‌گنجاند. تمامی زندانیانی که اظهار داشتند که مورد شکنجه قرار گرفته بودند بعداً مورد معاینه پزشکی قرار گرفتند. علیرغم سیاسی نبودن، ۸۴ درصد از این زندانیان مورد شکنجه قرار گرفته بودند که شامل مشت و لگد، شلاق زدن بر کف پا، شوک الکتریکی، آویزان کردن و غیره می‌شد.

عوارض فیزیکی که در عین معاینه در ارتباط مستقیم با نوع شکنجه مشاهده شد شامل آثار سوختگی، زخم بر نقاط مختلف بدن، ناراحتی‌های شنوایی، از دست دادن ناخن، درد استخوان و مفاصل، دندانهای شکسته، دماغ شکسته و غیره می‌شد. ۴۰ درصد از کسانی که اعلام کردند مورد شکنجه قرار گرفته اند دچار "اختلالات پس از سانحه" شده بودند در حالی که در گروه شکنجه نشده حتی يك گزارش از این بیماری وجود نداشت. همینطور شکنجه منجر به درصد بالاتری از افسردگی، ناراحتی‌های وسواسی، ترس شدید، ناراحتی‌های خلقی، عصبی مزاج و زود رنج بودن شده بود. این مطالعه به روشنی نشان می‌دهد که زندانیان شکنجه شده بیشتر از سایر زندانیان در معرض دچار شدن به ناراحتی‌های روانی می‌باشند.

این مطالعه نشان می‌دهد که شرایط زندان صرف نظر از سیاسی بودن یا نبودن آنها به طور کلی دشوار است. اکثر زندانیان بدرفتاری‌های زندانبانان را تجربه و تحمل می‌کنند. این مطالعه همینطور نشان می‌دهد که وجود شکنجه نقش بسیار مهمتر و چشمگیرتری را در به وجود آمدن عوارض روحی و روانی دارد.

اجازه بدهید که نکات بررسی شده را جمع‌بندی کنیم. به طور کلی افراد شکنجه شده بیشتر از زندانیان شکنجه نشده در معرض روبرو شدن با دشواریهای فیزیکی، روحی و روانی می‌باشند. اینان در روابط فردی هم ممکن است دشواریهای زیادی را تحمل کنند. همینطور نشان دادیم که اثر شکنجه مستقل از سختی‌های تحمیل شده در زندان می‌باشد و اثرات شکنجه مستقل از تأثیرات ناگوار و سختی‌ها و رنج‌های مهاجرت و تبعید می‌باشد. نشان دادیم که تمامی افراد شکنجه شده دچار عوارض ناگوار نمی‌شوند اما احتمال اینکه اینان دچار عوارض ناگوار شوند بیشتر است. نشان دادیم که مهمترین مسأله‌ای که منجر به عوارض می‌شود فشارهای روحی و روانی وارده در حین شکنجه می‌باشد. و همین طور عواملی را که می‌توانند نقش محافظت کننده به عهده داشته باشند بررسی کردیم. این نکته را مطرح کردیم که عده‌ای بعد از تحمل شکنجه با قدرت و شور بیشتری به زندگی می‌پردازند. معمولاً مطالعات تحقیقاتی این گروه را دربر نمی‌گیرد زیرا اکثر این کارهای تحقیقاتی در مراکز کمک به پناهندگان صورت می‌گیرد. تماس وقتی حاصل می‌شود که مشکلی وجود دارد. نشان دادیم که هدف شکنجه تنها به دست آوردن اطلاعات نیست و در اکثر مواقع هدف اصلی شکنجه در هم شکستن روحیه، خرد کردن شخصیت، نابود کردن اعتماد و اتکاء به خود در ویران کردن باور به انسان، انسانیت، اعتماد به دیگران و امید به آینده است. شکنجه زاده دست و اندیشه انسان است و معمولاً به طور مداوم و سیستماتیک اجراء می‌شود. شکنجه امری است که به طور نهانی و یا آشکار در اکثر کشورها اعمال می‌شود. شکنجه منجر به رشد "اکولوژی سرکوب" می‌شود، حالتی که در آن وحشت، عدم ایمنی و اعتماد و روابط در هم شکسته فردی و انسانی حاکم می‌شوند. آنهایی که تبعید می‌شوند و یا مجبور به انتخاب تبعید می‌شوند دچار مشکلات پیچیده دیگری می‌شوند مانند مشکل زبان، مشکل شغل، مشکل مالی، مشکل تنهایی و دور بودن از عزیزان و خانواده و انزوای فردی و اجتماعی در کشور میزبان پروسه‌های طولانی پذیرش تقاضای پناهندگی مشکلات را چند برابر می‌کند. شکنجه و بدرفتاری سیستماتیک و تبعید، ضربه‌ها و تجارب پیچیده‌ای می‌باشند که منجر به واکنش‌های روانی پیچیده می‌شوند.

تعداد زیادی از شکنجه شدگان سعی می‌کنند که همه چیز را به فراموشی بسپارند و در مورد تجربه خود سخن نگویند. اینان "اکثریت خاموش" را به وجود می‌آورند. گاهگاه خاطره شکنجه به دنبال حادثه‌ای بی‌ربط یا با ربط ممکن است سر بردارد و ناراحتی ایجاد کند. عده دیگری دچار "احساس گناه" می‌شوند. احساس گناه از اینکه آنان

زنده ماندند ولی دوستان، یاران و یا اعضای خانواده‌شان در جریان دستگیری و یا زیر شکنجه کشته شدند. عده دیگری فکر می‌کنند که آنها به اندازه کافی قوی نبوده‌اند و از خود ضعف نشان داده‌اند.

قبل از پایان این قسمت از مقاله میل دارم يك کار تحقیقاتی در استانبول ترکیه را مورد بررسی قرار دهم. در این مطالعه سه گروه که شامل فعالین سیاسی شکنجه شده، فعالین سیاسی شکنجه نشده و گروه سومی که فعالیت سیاسی داشته و یا شکنجه شده بودند، با همدیگر مقایسه شدند. زندانیان شکنجه شده انواع گوناگون شکنجه را متحمل شدند که شامل شکنجه‌های جسمی و روانی می‌شد. سلامت روانی گروه شکنجه شده با گروه شکنجه نشده با یکدیگر مقایسه شد. تنها تفاوت بین دو گروه به "اختلال اضطرابی پس از سانحه" مربوط می‌شد. حدود يك سوم گروه شکنجه شده و تنها ۱۱ درصد زندانیان سیاسی شکنجه نشده این بیماری را گزارش کردند.

این اما به چهار سال پس از آزادی و ۶ سال پس از شکنجه مربوط می‌شود. هر چند که اختلاف چشمگیری در بین دو گروه در رابطه با افسردگی وجود نداشت ولی ۱۷ درصد گروه شکنجه شده و ۱۳ درصد گروه شکنجه نشده دچار این عارضه بودند. این قسمت از مطالعه نشان می‌دهد که شکنجه تأثیری مستقل از تأثیر زندانی بودن در افراد می‌گذارد. نکته مهم دیگر این است که درست است که ۳۳ درصد افراد شکنجه شده دچار "اختلال استرسی پس از سانحه" شدند ولی دو سوم آنان نشدند. چه عواملی مانع بروز اختلال‌های عصبی در اینان شد؟

در قسمت دوم این کار تحقیقی، کاوشگران سعی می‌کنند این سؤال را پاسخ دهند. آنان به بررسی جنبه‌های مختلفی که ممکن است در بروز یا عدم بروز اختلال روانی نقش بازی کنند پرداختند. این جنبه‌ها شامل سن، وضعیت مالی، وابستگی قومی و ملی، میزان فعالیت سیاسی، سابقه بازداشت و شکنجه و مدت زندان، تأثیر زندان بر خانواده، موقعیت بعد از آزادی و غیره می‌شد. این محققان نشان می‌دهند که عوامل زیر در بروز عوارض روحی و روانی تأثیر فوق‌العاده‌ای داشتند: تأثیر دستگیری بر خانواده، موقعیت اجتماعی، اقتصادی، شغلی و سلامت فرد بعد از آزادی، شدت استرس بعد از آزادی از زندان، گزارش شخص در رابطه با شدت شکنجه، وجود حمایت اجتماعی بعد از آزادی و تاریخچه اختلال روانی در خانواده.

در قدم بعدی محققان سعی می‌کنند اثر عوامل فوق‌الذکر در رابطه با ناراحتی‌های گوناگون عصبی، مثل افسردگی، ناراحتی‌های اضطرابی به طور کلی و اختلال اضطرابی پس از سانحه را به طور مشخص بررسی کنند که از شرح آن در اینجا خودداری می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که آمادگی ذهن در رابطه با شکنجه که در میان فعالین سیاسی مشاهده شد ممکن است نقش مهم پیشگیرانه‌ای در جلوگیری از بیماری روانی بازی کند. فعالین سیاسی ممکن است به شکنجه به عنوان بهائی که باید برای آزادی سیاسی پرداخت تا به جهانی بهتر دست یافت می‌نگرند.

این امر با مطالعات دیگری که نشان می‌دهد غیرقابل درک و بی‌معنی بودن ضربه عامل مهمی در بروز ناراحتی روانی دارد، مطابقت داشت. این مطالعه از طرف دیگر نشان می‌دهد که وجود شبکه‌های کمکی جمعی چه در سطح خانواده، دوستان و یا گروه سیاسی می‌تواند نقش موثری در کاهش عوارض روانی شکنجه داشته باشد.

ادامه دارد